

بازنمایی عناصر اساطیری - حماسی همبستگی ملی در شعر دفاع مقدس

مهوش واحد دوست *

E-mail: Mahsa.vahedy@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۰

چکیده

نمود اساطیر کهن ایران مانند مفاهیم و شخصیت‌های اساطیری شاهنامه در اشعار دوره جنگ تحمیلی نمی‌تواند تصادفی باشد، عناصر اساطیری شاهنامه فردوسی کهن نمونه‌های شعرهای حماسی به شمار می‌رود. در زمان مقتضی، ناخودآگاه جمعی شاعران، یاریگر آنها در استفاده از این کهن الگوها هستند. مانند شاعران شعر جنگ در دوره «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران» که این کهن الگوها را در شعر خود بازتاب دادند. یکی از هدف‌های این تحقیق نشان دادن ارزش و اهمیت شاهنامه فردوسی در راستای وحدت و یکپارچگی ملت ایران، به‌ویژه در طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است و بازنمایی افتخارات رزمندگان میدان‌های نبرد برای تداوم یکپارچگی و شکوه و عظمت ایران، هدف دیگر این جستار است. تعریف حماسه، کارکرد حماسه در تشجیع ملت در زمان مقتضی مانند زمان جنگ؛ ضرورت و شرایط ایجاد حماسه و نقش آن در ماندگاری رخدادهای تاریخی و ملی، با در نظر داشتن عامل اصلی مذهب در روند جنگ تحمیلی، نمود تعدادی از عناصر اساطیری حماسه ملی ایران، ابزارهای شاعرانه در شعرهای دوره جنگ تحمیلی، پهلوانان بنیادین شاهنامه به‌عنوان کهن الگوها و اسوه‌های شجاعت و دلاورمردان عرصه‌های نبرد در مقایسه با آنها، محورهای دیگر بحث هستند.

کلیدواژه‌ها: حماسه، شاهنامه، شعر، جنگ، وحدت ملی، ایران.

مقدمه

ملت ایران در گذر تاریخ ماجراها داشته، برای اسکان، شکل‌گیری تمدن و فرهنگ خود و دفاع از سرزمین بنا نهاده خویش، متحمل دردها و رنج‌های فراوانی شده است. در این میان شجاعت‌ها و دلاوری‌های مدافعان آن روزگاران، موجب بقا و عظمت این ملت شده است، اعمال پهلوانی آنها، به صورتی نوشته یا نانوخته نسل به نسل تکرار شده، در دوره‌ای خاص که شرایط مقتضی فراهم آمده، توسط شاعری توانمند، در قالب حماسه ملت ایران با عنوان «شاهنامه فردوسی» به نظم درآمده است. کارکرد اساسی حماسه در میان ملت‌ها، حفظ وحدت میان مردم یک کشور است (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۱). از ویژگی‌های حماسه جنبه قهرمانی، اساطیری، تاریخی یا مذهبی آن است؛ و حماسه‌ها از افرادی سخن می‌رانند که از لحاظ جسمی و روحی از دیگران ممتازند و قادر به انجام کارهای فوق‌العاده هستند (رستگارفسانی، ۱۳۷۲: ۷۵۳).

بیگانه‌ستیزی و دفاع از سرزمین آبا و اجدادی، از مهم‌ترین هدف‌های حماسه‌ها برای زنده نگاه داشتن هویت یک ملت به شمار می‌رود. هویت مورد نظر، هویتی جمعی است نه فردی. برای تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های «هویت ملی» (۱) نخست باید مفهوم هویت ملی مشخص گردد. در این جستار مراد از هویت، مطلق هویت ملی ایرانی است: «فرایند پاسخگویی آگاهانه هر فرد یا قوم یا ملت به پرسش‌هایی از قبیل که بوده؟ کجا بوده؟ چه بوده و چه هست؟ به عبارت دیگر متعلق به کدام قوم، ملت و نژاد است و خاستگاه اصلی و دایمی‌اش کجاست؟ و دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده است؟ هویت نامیده می‌شود» (صلاح، ۱۳۸۲: ۴۰). شماری از اندیشمندان علوم سیاسی، اجتماعی و جغرافیا، عنصر ویژه‌ای از عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را اصل قرار داده‌اند. به عبارت دیگر هویت ملی بیشتر بر روی عنصر مورد نظر آنان، تکیه کرده و شکل گرفته است؛ برای مثال علم جغرافیا «سرزمین مشترک» و «تاریخ مشترک» را در این مورد اصل می‌داند و علوم اجتماعی «زبان مشترک» و «دین مشترک» را اصل می‌داند. ولی علوم سیاسی بر «ساختار سیاسی مشترک»، «ملیت و ملت» و جامعه مدنی تکیه می‌کند (صلاح، ۱۳۸۲: ۴۰). به‌طور مسلم هویت ملی پدیده‌ای است مرکب از همه این عناصر، به اضافه دیگر عناصر فرهنگی مشترک مانند مذهب، هنرها و آداب و سنن (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۴) البته مفهوم «هویت» را به‌طور اعم، از دیدگاه‌های مختلف فلسفی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و ایدئولوژی‌های مذهبی و غیره نیز می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. همان‌طور که گفته شد از نظر گروهی از اندیشمندان

«هویت» انواع مختلفی می‌تواند داشته باشد برای مثال می‌توان هویت باستانی (سستی)، هویت غربی و هویت مذهبی (اسلامی) (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۹۱) را نام برد؛ بحث در این مقوله هدف این نوشتار نیست؛ زیر ساخت شعرهای دوره مورد بحث «هویتی دینی» دارند؛ و «آنچه که امروز تحت عنوان هویت ملی تعبیر می‌شود، به لحاظ تاریخی و در آیین ایران زمین، بخصوص تواریخ محلی، هویت ایرانی است که با ویژگی‌های بومی، فرهنگی و منطقه‌ای همراه با مؤلفه‌های دینی ممزوج شده است» (صلاح، ۱۳۸۲: ۶۱).

فرضیه اصلی تحقیق

عبارت از تداوم حماسه و انگیزه حفظ سرزمین آبا و اجدادی و پاسداشت هویت ملی ایرانی، با توجه به زیرساخت باورهای مذهبی ملت ایران در دوره جنگ تحمیلی است که با رویکرد شاعران به گذشته‌های پرافتخار و اساطیر این سرزمین، آرمان پیروزی در جنگ در شعر آنها تحقق می‌یابد و ساختی حماسی پیدا می‌کند.

هدف تحقیق

اهمیت عشق به وطن و دفاع از آن در مواقع ضروری است. و مسأله اصلی تحقیق عبارت است از: نمود تعدادی از عناصر اساطیری حماسه ملی ایران در راستای وحدت و یکپارچگی ملت ایران، و نیز احیا و زنده نگاهداشتن «هویت ملی ایرانی»، با کاربرد عناصر اساطیری شاهنامه در شعر دوره جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس.

محدوده تحقیق

عبارت است از مجموعه شعرهای چند تن از شاعران با مضامینی در ارتباط باجنگ، که در این دوره سروده شده‌اند، مانند مجموعه شعر دفاع مقدس، مجموعه آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مجموعه شعر هم صدا با آب و آینه، مجموعه شعر کنگره شعر دفاع مقدس، مجموعه غزل پری ستاره‌ها، مجموعه اشعار علمداران، مجموعه شعر شعر و شمشیر، مجموعه شعر جنگ، مجموعه شعر قبیله خورشید، تذکره شعری معاصر ایران، مجموعه شهیدان شاعر، مجموعه شعر خون نامه خاک، فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت. و اشعار مورد بحث شاعرانی مانند حمید سبزواری، قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه، علی معلم، مشفق کاشانی، ساعد باقری، عبدالجبار کاکایی، یوسف علی میرشکاک، نصرالله مردانی، قادر طهماسبی.

سؤال‌های تحقیق

آیا حماسه ملی ایران، شاهنامه فردوسی در شعر جنگ، در طی هشت سال دفاع مقدس نمودی دارد؟ در صورت نمود، مفاهیم و شخصیت‌های مطرح در شاهنامه فردوسی چگونه و تا چه حد است؟ میان شعر حماسی جنگ و حماسه ملی ایران چه همسانی‌ها و دگرسانی‌هایی وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در زمینه بیشتر موضوعات اشعار، پایداری و دفاع مقدس، تحقیقات فراوانی انجام گرفته است و نیز شاهنامه شناسان و شاهنامه‌پژوهان، در ارتباط با نمود هویت و وحدت و یکپارچگی ملت ایران در شاهنامه فردوسی، تحقیقات گسترده‌ای انجام یافته است، ولی تاکنون تحقیقی جدی از لحاظ نمود و مقایسه عناصر اساطیری حماسه ملی ایران در اشعار دفاع مقدس، انجام نگرفته است، از این‌رو نگارنده در این تحقیق، با توجه به اهمیت موضوع، به روش تحلیلی توصیفی، رهیافت‌ها و نکته‌نظری‌ها را مطرح کرده است.

نقد و بررسی

حماسه ملی ایران، شاهنامه فردوسی، نمایانگر هویت ملی، وحدت و یکپارچگی ایرانیان در طول تاریخ این سرزمین است. مفاهیم و شخصیت‌های اساطیری مطرح در آن، در اشعار جنگ دوره معاصر ایران، بازتابی گسترده دارد. وجود مفاهیم اساطیری ایران در این اشعار، متضمن هویت ملی و ایرانی این سرزمین است.

مفهوم «دین و مذهب» در ساختار هویت فرهنگی یک ملت تعریف می‌شود. نکته قابل ذکر این است که فقط وحدت اعتقادی و مذهبی مردم کشورها، در زمان جنگ میان دو کشور که مذهب واحدی دارند، نمی‌تواند کافی باشد، بلکه انگیزه پاسداشت هویت ملی و قومی نیز دارای اهمیت است. برای مثال در طی جنگ تحمیلی، ملت ایران برای مبارزه با مهاجمان عراقی، که مسلمان بودند یا ادعای مسلمانی داشتند، گذشته از عنصر مذهب، نیاز به انگیزه دیگری برای وحدت ملی بود، تا با احیای خاطرات قومی و یاد کرد از شکوه و عظمت گذشته ایران بتوانند، به پیروزی دست یابند.

زمانی که مرزهای یک ملت تهدید می‌شود، یا یک ملتی از لحاظ ارزش‌های قومی و ملی مورد تحقیر قرار می‌گیرد، حماسه آفریده می‌شود (واحد دوست، ۱۳۸۷: ۵۷). عشق به میهن، به اقتضای شرایط زمانی در قرن چهارم در قالب اثری حماسی و ماندگار با نام

شاهنامه فردوسی نمود پیدا کرد؛ در دوره معاصر، دلاوری‌های رزمندگان در میدان‌های نبرد، بستر پیدایش «شعر حماسی جنگ» را فراهم آورد، از این‌رو دلاورمردان صحنه‌های نبرد برای حفظ این سرزمین در میدان‌های جنگ حماسه آفریدند، و شرح دلاوری‌های آنان در طی جنگ تحمیلی، در اشعار این دوره به تصویر کشیده شد.

بسامد عناصر نمایانگر هویت باستانی یا همان هویت ایرانی، در شاهنامه فردوسی چشمگیر است، در اشعار دفاع مقدس نیز در طی هشت سال، بازتابی بسیار گسترده دارد؛ زیرا تعدادی از شعرهای شاعران دوره دفاع مقدس در طی جنگ تحمیلی، برای ایجاد وحدت و حفظ هویت ملی ایرانی، حاوی کهن الگوهایی چون پهلوانان اساطیری و عناصر فرهنگ گذشته ایران است. این مجموعه اشعار در بردارنده پاره‌ای از عناصر اساطیری حماسه ملی ایران شاهنامه فردوسی است، و با علم بر تأثیر عامل اصلی مذهب اسلام، وجود این عناصر در این اشعار، کارکرد حماسه ملی ایران را در تهییج و حفظ وحدت و هویت ملی ایرانی بیان می‌کند. نبرد غالب، در شاهنامه فردوسی نبرد ایران و توران است، زمانی که مرزهای ایران توسط کشور توران مورد تجاوز قرار می‌گیرد و هویت ملی و تمامیت ارضی ایران بزرگ به خطر می‌افتد، رستم نماد کهن الگوی قهرمانی، کشور ایران را از دست دشمن نجات می‌دهد. نه تنها رستم، بلکه گاه نیز اسفندیار که نماد دینداری و دلاوری است موجب نجات ایران از تجاوز توران می‌شود. برای مثال اسفندیار با کشتن ارجاسب تورانی آبرو و حیثیت ایران را که در شاهنامه به صورت نمادین، اسارت خواهران وی به دست ارجاسب تورانی است، پاس می‌دارد، در دوره معاصر در طول جنگ تحمیلی، رزمندگان دلیر ایران نیز با ایمان و اعتقاد به باورهای مذهبی خود، آبرو و حیثیت ایران را با خون خود پاس داشتند. و دلاوری‌های آنان در اشعار شاعران جنگ و پایداری، بازتاب پیدا کرد. البته در این تحقیق، یک مجموعه روایی کامل شعری از یک شاعر خاص، مورد نظر نیست زیرا همه اشعار شاعران دوره جنگ مختص عناصر جنگ و حماسه نیستند بلکه پاره‌ای از اشعار آنها که در مجموعه‌هایی مدون ذکر شده‌اند دارای عناصر حماسی می‌باشند، در این اشعار «حماسه» در توسع معنایی خود به کار رفته است، این اشعار در قالب مثنوی، که شاهنامه فردوسی در این قالب سروده شده، نیستند، بلکه بیشتر در قالب غزل یا دیگر قالب‌های شعری که سرشار از عواطف و درون‌مایه‌های احساسی، ولی دارای تفکر و درون‌مایه‌هایی حماسی هستند، سروده شده‌اند:

نشانه ما بودیم و ملیون در ملیون گلوله

نشانه ما بودیم و بمباران‌های مسموم
 نشانه ما بودیم و موشک‌های ویرانگر
 و ما مظلومان تنهای زمان
 همچنان برخاستیم از زیر بار موشک‌ها
 و همچنان ایستادیم....
 باور کنید فردائیان

تاریخ را بدین‌گونه باور کنید (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۱۵)

در شعر یاد شده، به دلیل عنصر «عاطفه» مفهوم حماسی با غنایی درآمیخته، واژه «ما» نماد پهلوانان و دلاورمردان بانام و یا گمنامی است، که در دوره معاصر حماسه آفریدند.

و یا: ای قصه ساز پیروز

پیروزی مبارک
 خوش بو، بهار فتح است
 خورشید می‌درخشد از لوله تفنگت
 روییده بوته نور

از جبهه‌های جنگت... (رحماندوست، ۱۳۷۱: ۵۸)

در دوره غزنویان به دلیل حکومت غیرایرانی غزنوی و نفوذ و دخالت‌های بیش از حد خلفای بغداد در امور داخلی ایران، هویت ملی ایران مورد تهدید قرار گرفته بود، که جنگی فیزیکی در این رابطه صورت نگرفت، ولی خرد جمعی قوم ایرانی احساس کرد که هویت ملی ایران در معرض خطر است؛ از این‌رو صدای اعتراض ملت ایران، توسط شاعری توانا به‌صورت حماسه‌ای مقتدر و جاویدان با نام «شاهنامه فردوسی» بازتاب پیدا کرد. قرن‌ها بعد، در دوره معاصر، حمله همسایه متجاوز به ایران، موجب برآشفتگی خردجمعی و قومی این سرزمین شد، و در طول جنگ تحمیلی «عراق علیه ایران»، صدای رساتر دیگری، که صدای اعتراض، دعوت و تهییج به مقابله بود، در شعر شاعران جنگ و پایداری بازتاب یافت، اما نه در قالب یک اثر حماسی مدون مخصوص یک شاعر، بلکه به‌صورت اشعاری پراکنده، با درون‌مایه‌ای حماسی و با عنوان‌های شعر پایداری، مقاومت و جنگ. «شعر جنگ در دوره معاصر ایران، به لحاظ زمانی، حد فاصل بین شروع تجاوز عراق (۱۳۵۹) تا روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸، (۱۳۶۷) را دربرمی‌گیرد که سرشار از درون‌مایه تشویق، تکریم دوست، تحقیر و تهدید دشمن، همچنین تقویت روحیه سلحشوری، ملی و دینی برای حفظ وطن و انقلاب هستند. شعر دفاع مقدس برخلاف شعر جنگ در محدوده زمانی خاصی نمی‌گنجد. تمامی آثار

منظوم در هنگام نبرد و بعد از آن در زمان صلح در قلمرو شعر دفاع مقدس است» (براتی، ۱۳۸۸: ۲۷) و نسبت به آن، نسبت جزء و کل است. شعر دفاع مقدس یا پایداری و یا مقاومت در زمره ادبیات پایداری است، که در آن مفاهیم اعتراض، مقاومت اجتماعی و جنگ در مقابل تجاوزگران و انقلاب در مقابل سلطه‌جویان غلبه دارد و دارای پایگاهی اجتماعی است. ویژگی‌های عمده این گونه شعر عبارتند از: دعوت به مبارزه، ترسیم چهره بیدادگر، ستایش آزادی، بازنمایی افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم و بزرگداشت شهدای آزادی (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). ادبیات پایداری توسط شاعران و نویسندگان جهان در مقابل هرگونه ظلم، جور، تعدی و تجاوز به وجود آمده است. شعر و ادبیات جنگ رابطه جزء و کل با شعر و ادبیات پایداری دارد؛ زیرا شعر و ادبیات جنگ، تنها در برهه‌ای از زمان و در مواقعی که کشوری با کشوری دیگر درگیر شده، یا مجبور به دفاع شده است، حادث می‌شود (سجودی، ۱۳۸۵: ۷۸ و ۷۹). بنابراین شعر دوره «جنگ تحمیلی» در زمره ادبیات پایداری و مقاومت نیز قرار می‌گیرد. با توجه به موضوعات مطرح در این اشعار، آنها دارای روح و تفکر حماسی هستند. تهییج برای مبارزه و مقاومت در مقابل متجاوز با به تصویر کشیدن صحنه‌های جنگ و نبرد، از ویژگی‌های این اشعار است. همسانی‌هایی میان اشعار جنگ دوره معاصر ایران و شاهنامه فردوسی وجود دارد که نمود این وجوه مشترک و همسانی میان آنها به هیچ وجه نمی‌تواند تصادفی باشد، بلکه ناخودآگاه جمعی (۲) و قومی شاعر شعر جنگ و پایداری، در زمان مقتضی، یاریگر وی در سرودن این گونه شعرها بوده است و همین نکته بیانگر تأثیر و نمود حماسه ملی ایران در اشعار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است:

الف) همسانی‌های شعر دفاع مقدس با شاهنامه فردوسی و تأثر از آن

۱. نمود «فَر»

از آنجایی که بقا و شکوه ایران بزرگ، مدینه فاضله و کمال مطلوب دانای توس است، یکی از مفاهیم نمادین مطرح در شاهنامه فردوسی، مفهوم پر راز و رمز «فَر» می‌باشد که نماد وحدت، انسجام و شکوه ایران است. «فَر» انواع گوناگونی دارد. در حماسه گرانسنگ ایران مکرر از انواع «فَر» یاد می‌شود. یکی از مظاهر و انواع «فَر» در شاهنامه فَر ایرانی است که همه ایرانیان دارای این گونه فَر هستند. نمود این مفهوم در نامه باستان، نه تنها باز تاب وحدت ملی است، بلکه شکوه و عظمت خلل‌ناپذیر ایران را در مقابل هرگونه تجاوز نمایان می‌سازد. فَر در شاهنامه گذشته از یک اعتقاد اساطیری، نماینده اصل «امید» در ضمیر ناخودآگاه ایرانیان نسبت به پایداری ایران و خلل‌ناپذیری

این سرزمین اهورایی است. با در نظر گرفتن مفاهیم گسترده فر در شاهنامه مانند تأیید الهی، بخت و اقبال، موهبت اهورایی و غیره، بر طبق باورهای باستانی متعلق به کیانیان، پهلوانان ایرانی و آریاییان و ایرانی تباران بوده است (مجتبایی، ۱۳۵۲: ۵۴، ۸۶، ۱۴۷؛ کویاجی، ۱۳۷۱: ۳۹).

<i>پدید آمد و رایت بخردی</i>	<i>ز بالای او قره ایزدی</i>
(فردوسی، ۱۹۶۵: ۲۰۶، ج ۳، ۳۱۳۰)	
<i>چو خود و زره کرد و چون جوشنا</i>	<i>به ترکی نرم کرد آهنا</i>
(فردوسی، ۱۹۶۵: ۳۹، ج ۱، ۹)	
<i>پناه دلیران و شیران تویی</i>	<i>چه اندیشی از شاه ایران تویی</i>
<i>که با قر و برزی و زیبای گاه</i>	<i>به بد آب را کی بود بر تو راه</i>
(فردوسی، ۱۹۶۵: ۲۲۸، ج ۳، ۶۸-۳۴۶۷)	

بنابراین فره مند بودن ایران و ایرانی در شاهنامه، به معنی شکست ناپذیری مردم ایران و خلل ناپذیری این سرزمین است. در تمام نبردهای بنیادین شاهنامه، سرانجام ایران پیروز بوده است. نمود فره در شاهنامه به صورت فر پهلوانی در رستم، که حافظ کیان ایران است، برای تحقق فرمندی ایران و ایرانی می باشد. ناگفته پیداست که باور به شکوه و شکست ناپذیری این سرزمین، در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در وجود دلاورمردان و قهرمانان میدانهای نبرد همواره جاری و ساری بود و سرانجام نیز موجب پیروزی آنان شد و بدین وسیله فر ایران و ایرانی در دوران معاصر نیز تداوم پیدا کرد. و ملت ایران بهترین فرزندان خود را در راه عشق به وطن از دست داد تا فر و شکوه ایران پا برجا باشد:

<i>آن پیکر پاره پاره را می بردند</i>	<i>بر دوش تن ستاره را می بردند</i>
<i>انگار گل بهاره را می بردند</i>	<i>از عطر تنش فضا چه عطر آگین بود</i>
(عزیزی، تذکره شعرای معاصر، ۱۳۶۹: ۲۱۵)	

۲. حفظ و احیای هویت ملی

همان طور که پیشتر نیز گفته شد در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران، مانند دوره مشروطیت، و یا هر موقع که مقتضی بوده، و متجاوز یا متجاوزانی ذهن ملت ایران را برآشفته است، گاه گاهی شاعران آن دوره بنا به رسالت خود به طور نمادین یا صریح در قالب انواع شعر، به ظلم، ستم و بی عدالتی، و تهاجم متجاوز اشاره هایی داشته اند. ولی در دوره غزنویان؛ از یک طرف تسلط و نفوذ خلفای عباسی عرب تبار که نمود آن را در

تاریخ بیهقی (برای مثال سلطان بودن سلاطین غزنوی وقتی مسجّل می‌شد که از طرف خلیفه بغداد تأیید می‌شد و القاب و لوا و غیره به آنها می‌فرستاده) و دیگر متون می‌توان دید، و از طرف دیگر حاکمیت غزنویان تورانی‌نژاد، که برطبق متن شاهنامه و اساطیر باستانی ایران فرزندان تور، فرزند فریدون به شمار می‌آیند و مانند ایرانیان آریایی‌نژاد هستند؛ ولی به هر حال این قوم، ایرانی نبوده، قوم دیگری با هویت ملی دیگری به شمار می‌آمد. از این‌رو این دو قوم عرب و غزنویان تورانی (اولی با نفوذ و دخالت در امور مملکتی و دومی با حکومت و حاکمیت خود)، هویت ملی ایران را تهدید کرده، به خطر انداخته بودند که باعث ایجاد حماسه ملی ایران شده است. شاهنامه فردوسی در یکی از حسّاس‌ترین برهه‌های تاریخ ایران به نظم درآمد، ولی «محمود پیام شاهنامه را، که تجدید عظمت و استقلال ایران به معنی جدا شدن از قلمرو خلافت و برافتادن استیلای تازیان و سرافرازی ایرانیان بود، درنیافت» (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۵۶، ۱۳۸). فردوسی با توجه به جو حاکم در قرن چهارم، در شاهنامه ضمن بازگوکردن رخدادهای داستان‌ها، به‌طور غیرصریح، نارضایتی خود را از وضع موجود بیان می‌کند برای مثال در داستان ضحاک می‌گوید:

نهران گشت کردار فرزنانگان	پراکنده شد کام دیوانگان
هنر خوار شد، جادوی ارجمند	نهران راستی، آشکارا گزند
شده بر بدی دست دیوان دراز	بنیکی نرفتی سخن جز به راز

(فردوسی، ۱۹۶۶: ۵۱، ج ۱، ۵)

در دوره معاصر، زمانی که مرزهای ایران از طرف یکی از کشورهای عرب (عراق) که مسلمان بودند، مورد تجاوز قرار گرفت، رزمندگان دلیر ایران در راستای حفظ هویت ملی حماسه آفریدند، و شاعران توانمند این دوره با رویکرد به کهن الگوهای اساطیری و فرهنگ گذشته ایران، این دلاوری‌ها را در اشعار خود منعکس کردند. زیرا در این دوره فضا برای سرودن اشعار حماسی بسیار مناسب بود. گاهی اشعار حماسی این دوره یادآور فضای حماسی شاهنامه فردوسی است زیرا عناصر اساطیری و کهن الگوهای پهلوانان باستانی ایران در شعر شاعران آگاه این دوره دارای بسامد بالایی است. این شاعران با اشعار خود دلاورمردان جبهه‌ها را برای دفاع از میهن تهییج و ترغیب می‌کردند. همان‌گونه که فردوسی زبان گویای خرد جمعی عصر خود شد، و قرن‌ها بعد، در دوره معاصر، با حمله عراق به ایران، و با آشفتگی خردجمعی ایرانیان، صدای رسای شاعران در طول جنگ تحمیلی، که صدای اعتراض، دعوت و تهییج به

مقابله بود، در شعر آنها بازتاب پیدا کرد. گرچه زبان و بیان مجموعه اشعار این شاعران از پاره‌ای جهات با شاهنامه متفاوت است، ولی دارای غنای معنایی و تفکر حماسی است و بیشتر مفاهیم حماسی عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و تهییج برای مقابله با این تجاوز و تعدی در آنها بازتاب دارد:

برخیز تا در سنگر عشق

با هم سرود خون بخوانیم،

با بانگ دشمن کوب تکبیر

از خاک، دشمن را برانیم (جعفر ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۳۶)

و یا: بر شما ای قهرمان مردان با ایمان درود

بر شما ای پیروان مکتب قرآن درود

بر شما ای مرزبانان وطن از ما سلام

بر شما ای حامیان ملت ایران درود... (مردانی، ۱۳۷۶: ۱۴)

۳. هویت دینی

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، هویت مذهبی با هویت ملی و فرهنگی درآمیخته است. یکی از ویژگی‌های حماسه ملی ایران پابندی رؤسای مملکت با عنوان شاهان و به تعبیری شاه - مؤبدان (کویاجی، ۱۳۷۱: ۲۳۶) و پاره‌ای از پهلوانان بنیادین شاهنامه به مذهب و دین است. پادشاهان پیشدادی همه شاه - مؤبدان بودند که این فانکشن^۱ و وظیفه در دوره کیانیان نیز تداوم پیدا کرد. برای مثال کی گشتاسب حامی زردشت و مبلغ دین بهی بود. علت اصلی حمله ارجاسب تورانی به ایران ناشی از انگیزه‌ای مذهبی بود، زیرا ایرانیان از دین آبا و اجدادی خود که با تورانیان هم‌نژاد و هم مذهب بودند، برگشته بودند:

بدانید گفتا کز ایران زمین

بشد فره و دانش و پاک دین

یکی جادو آمد بدین آوری

بایران بدعوی پیغمبری

مر او را بگویی کزین راه زشت

بگرد و بترس از خدای بهشت

گر ایدونک نپذیرد از ما سخن

کند روی تازه بما بر کهن

سپاه پراکنده باز آوریم

یکی خوب لشگر فراز آوریم

(فردوسی، ۱۹۶۶: ۷۲، ج ۶، ۷۳، ۱۲۱ و ۱۲۲)

هم‌چنین یکی از انگیزه‌های مهم رفتن اسفندیار برای بستن دست رستم به سیستان، انگیزه‌های مذهبی داشت؛ نخست این که گشتاسپ به‌عنوان شاه مؤبد، دارای مقام روحانی و خلیفه‌اللهی بود و برگشتن از فرمان او برگشتن از فرمان خداوند بود، دوم این که اسفندیار رسالت گسترش دین بهی را برعهده داشت و نظرکرده زرتشت بود درحالی که رستم بر آیین مهرپرستی بود، ازاین‌رو فرمان پدر را برای بستن دست رستم پذیرفت و سرانجام نیز در راه اعتقاد خود جان خود را از دست داد. از طرفی اگر او خواهان تاج و تخت، که نماد قدرت هستند، بود، برای تبلیغ دین بهی نیازمند همه قدرت و اقتدار پادشاهی بود و انگیزه وی برای دست بستن رستم قدرت‌طلبی مادی نبوده است. به هر حال پایبندی به اعتقادات مذهبی و دینداری گاهی از عوامل نبرد در شاهنامه محسوب می‌شود. همان‌طور که دلاورمردان جنگ تحمیلی عراق بر ایران باور داشتند که صلوات از اسلام برگشته و از روی ظلم و ستم و بی‌عدالتی به ایران حمله کرده است، بنابراین در کنار عشق به وطن و پاسداشت هویت ملی، اعتقاد به اسلام، مهم‌ترین عامل رویارویی رزمندگان ایران با لشکر عراق به شمار می‌آید.

همان یلان که دلیان دین حق بودند

شکوه خورشید در پهنه فلق بودند

همان یلان که خدا بود ذکر هر شبشان

نبرد، مکتبشان بود و عشق مذهبشان... (بختیاری، ۱۳۷۴: ۳۱)

و یا: خط ما یعنی نبرد تن به تن

خط ما یعنی شهید بی کفن

خط ما یعنی در آتش واشدن

غرق خون در ظهر عاشورا شدن

خط ما یعنی شرر در قلب شام

خط ما یعنی فقط خط امام

شیعه را جز با علی پیوند نیست

خط ما این است و چون و چند نیست (محمدی، ۱۳۷۴: ۵۳)

۴. تفکر حماسی

منظور از تفکر حماسی، عبارت از میل و علاقه به ایثار، دلاوری، شجاعت در راه ملت و میهن است. چیزی که فکر و ذهن را در شرایط خاص اجتماعی، به خود مشغول می‌کند. با توجه به موضوعات مربوط به جنگ، مانند شهادت، مبارزه علیه تجاوزگر به

میهن و غیره در اشعار دوره جنگ تحمیلی، فضایی حماسی بر این گونه اشعار حاکم است. به عبارتی آنها اشعار بلند روایی مخصوص یک شاعر با عنوان «حماسه» نیستند بلکه به صورت پراکنده از شعرای به نام و بی نام در مجموعه اشعار این دوره به چاپ رسیده اند؛ اما با توجه به فضای حاکم بر آنها کاملاً حماسی بوده، تفکر حماسی بر آنها حاکم است. نکته دیگر این که قهرمانان یا به عبارتی پهلوانان جنگ تحمیلی همه ملموس و عینی می باشند، این اشعار حماسه های واقع گرای هستند که سرایندهگان آنها نیز در پی تعهد و رسالتی که بر دوش دارند، صحنه های واقعی جبهه های نبرد را به تصویر کشیده اند. از آن گذشته زبان و نمادها همه نو هستند. در این اشعار عرفان و اعتقاد دینی با تفکر حماسی در هم آمیخته است. کهن نمونه یا کهن الگوی^۱ تفکر حماسی در تمام رخدادهای شعر جنگ به چشم می خورد و پهلوانان و قهرمانان نبرد نیز با همین انگیزه به نبرد با دشمن پرداختند. وقتی که پهلوانان با دلاوری و شجاعت به طور فیزیکی، در میدان های نبرد با دشمنان می جنگند، تفکر حماسی تحقق می یابد، به طور کلی در جنگ تحمیلی، چنین تفکری بر رزمندگان حاکم است و شاعران اشعار جنگ این تفکر را به خوبی در اشعار خود بازتاب داده اند. نکته دیگر این که شهادت از جلوه های تفکر حماسی است، این تفکر با تمام مفهوم خود، در دفاع از هویت، کیستی و از کجایی؟ در طول تاریخ تکرار شده و خواهد شد و قهرمانان و پهلوانان جبهه های نبرد، در اشعار حماسی نیز جاودانه خواهند شد:

صغیر سوخته ام را شعار برگردد	بخوان حماسه که از دل قرار برگردد
که صبر خشک کشم را عذار برگردد...	به چهره ام تب غیرت چنان گل اندازد
قسم به خون که اگر روزگار	ز خون ما و شما آسـیا بگرداند
گمان مبر به یمین و یسار برگردد	سنان بیارد بر عمود قامت ما

(طهماسبی، ۱۳۸۵: ۱۸۷)

۵. عشق به میهن

عشق به میهن و دفاع از آن محور شعرهای جنگ و پایداری است. در این اشعار گذشته از بن مایه های مذهبی و عاشورایی (که از بسامد بالایی برخوردار است)، بن مایه های حماسه ملی ایران نیز به مستقیم و غیرمستقیم کارمایه شاعران این دوره قرار گرفته است. وقتی در دوران معاصر، شعر پاک و بی آرایش شاعرانی را پیش روی داریم که در

1. Archetype

طول جنگ تحمیلی، با عشق و ایمان قد برافراشتند، به یاد روزگاران گذشته، دوران باستان، دوران شکل‌گیری ملت ایران در مهاجرت‌های نژاد آریا به فلات ایران، می‌افتیم و نیز این دوره یادآور دوره‌هایی است که این سرزمین آماج هجوم ویرانگر و خونریز دشمنان و بیگانگان شده بود؛ دلاورمردان آن روزگاران برای دفاع از هویت ملی و ایرانی خود برای پاسداری از مرزهای این سرزمین رشادت‌ها نمودند. این دلاوری‌ها در حماسه ملی ایران، شاهنامه فردوسی، به نظم درآمد و جاودانه گشت (واحدوست، ۱۳۸۱: ۷). دفاع از مرزهای کشور، در طول تاریخ کهن ایران و در دوران معاصر، در راستای پاسداشت این سرزمین تدام داشته است. در شاهنامه، با به خطر افتادن مرزهای ایران، خاطر فردوسی آشفته می‌شود و به خواننده هشدار می‌دهد:

شنیدی که دشمن به ایران چه کرد
چو پیروز شد روزگار نبرد؟
کنون خیره آزرم دشمن مجوی
برین بارگه بر مرینز آبروی

(فردوسی، ج ۳، ۱۹۶۵: ۶۴، ۹۸۸ و ۹۸۹)

در دوره معاصر نیز با به خطر افتادن مرزهای ایران، رزمندگان شجاع در پاسداشت سرزمین آبا و اجدادی‌شان کوشیده‌اند. و شاعران اشعار جنگ و پایداری نیز، «دفاع از کشور» را در شعر خود به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بازتاب داده‌اند: مستقیم زمانی است که شاعر از واژه‌هایی چون «وطن»، «میهن»، «سرزمین من»، ایران نام می‌برد. برای مثال در شعر زیر واژه «ایران» به‌عنوان هویت مکانی «از کجایی» شاعر به خطر افتاده است:

تفنگ ای یاور دیرینه من
رفیق و مونس بی‌کینه من
تفنگ، ای بسته برپشتم شب و روز
هلا ای شعله‌های تو، ستم سوز
بیا تا در ره ایران بجنگیم

که ما همزاد باروت و فشنگیم ... (مردانی، ۱۳۷۴: ۲۶۸)

گاهی شاعر به‌طور غیرمستقیم از میهن یاد می‌کند. مانند شعر زیر از قیصر امین شاعر معاصر:

... باید زمین گذاشت قلم‌ها را
دیگر سلاح سخن کارساز نیست
باید سلاح تیزتری برداشت
باید برای جنگ

از لوله تفنگ بخوانم

- با واژه فشنگ - (امین پور، ۱۳۶۲: ۷۳)

ای ظفرمندان ظفرمندان در سنگر به پیش

ای سواران سحر، گردان نام آور به پیش

جنگجویان دلاور پیشتان دلیر

آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش

با سلاح کاری آله اکبر می روید

پیروان راستین فاتح خیبر به پیش (مردانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

همان گونه که در این شعر مشاهده می شود دو انگیزه مهم دفاع از سرزمین آبا و اجدادی، و اعتقاد مذهبی در تهییج به پیروزی، بر جستگی دارد و در این راستا از شخصیت حماسی و اساطیری ایران «آرش» به عنوان الگو و اسوه دلاوری یاد شده است.

۶. عناصر اساطیری

ژرف ساخت هر حماسه‌ای، اسطوره است. ژرف ساخت شاهنامه فردوسی نیز اسطوره است. به اذعان همه پژوهشگران، شاهنامه فردوسی تاریخ اساطیری ایران را بازگو می کند، در واقع شاهنامه سند هویت ملت ایران است، به جرأت می توان گفت: «شکوه و عظمت و اساطیر ایران در آن جاودانه شده است، مردم ایران از گذشته های بسیار دور از دوره باستان تاکنون، در دفاع از کشور، با دلاوری های خود، همیشه حماسه آفریده اند و پهلوانان و دیگر عناصر اسطوره ای موجود در شاهنامه فردوسی کهن الگوهای دفاع از سرزمین ایران در مواقع مقتضی به شمار می روند. نبردهای مذکور در شعر شاعران جنگ در دوره معاصر ایران گواه گویای این مدعا است. با وجود این که اشعار حماسی دوره معاصر ایران به حماسه سرایی واحد تعلق ندارد، ولی ویژگی های شعر حماسی از لحاظ کاربرد اسطوره ها، در آنها نمودی گسترده دارد. و در کنار اسطوره های مذهبی، که نمادها و الگوهای مذهبی هستند؛ کاربرد مفاهیم اسطوره ای برگرفته از دوران باستان ایران و شاهنامه دارای بسامد چشمگیری است. از ویژگی های شعر جنگ و پایداری در دوره معاصر، شاعر زبانی دیگر برای بیان مفاهیم و عواطف انسانی برمی گزیند و در این راستا اسطوره های کهن سرزمین خویش را دستمایه خود قرار می دهد. وقتی تحلیل شاعر به جولان می پردازد سوار بر بال های خیال در ناخودآگاه فردی و جمعی خویش، که حاوی میراث های کهن و دور و نزدیک هستند، به پرواز درمی آید و واژه های شاعرانه ای را به مقضای شرایط، در راستای هدف های خود برمی گزیند. شاعر دوره

جنگ تحمیلی نیز از اسطوره‌های گذشته ایران که نمایانگر هویت سنتی وی هستند و در ناخواگاه جمعی او حضوری مبهم، و در شاهنامه فردوسی حضوری آشکار دارند، کمک می‌گیرد و با هنجارشکنی‌های ویژه خود تصویرسازی می‌کند. از این‌رو، پاره‌ای از مفاهیم برگرفته از عناصر فرهنگ گذشته ایران به‌عنوان باستان‌گرایی در راستای هویت ملی، در شعر دوره جنگ و مقاومت نمود دارد که در بحث‌های ادبی با عنوان نوعی آرکائیسیم (باستان‌گرایی) از آن یاد می‌شود.

سیمرغ و قاف: شبی که عذر گناه خود را

به بال سیمرغ تو بندم

ز قاف رحمت امید رأفت

به خلق دنیا دگر نبندم (حجتی، ۱۳۷۵: ۸۷)

محراب زرتشت: ... سوزشان آتش طور موسی

داغشان مهر محراب زرتشت

کوله بر پشت و سجاده در پیش (امین‌پور، ۱۳۷۵: ۳۷)

اهریمن: ... آن شب یلدا همه غم بود و آه

ماه پنهان گشته در ابر سیاه

اهرمین آسیمه سر در گیر و دار... (سجادی، ۱۳۷۶: ۱۲۱)

اهورامزدا: ... خورشید خم شد بر زمین افتاد

خاک از اهورایی ترین پر شد

از عطر خون تازه گرم گرم (رسول‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۲۶)

آتشکده و آتش: خیزید ای دریادلان، چابک سواران

رزم آوران، شیرافکنان، خنجرگذاران

خیزید و بر پشت تکاور زین گذارید

در سینه سوز آذربرزین گذارید (شاهرخی، ۱۳۷۶: ۱۲۸)

خرابات: حسن مذهبان صبور آمده

می زهر نشان آن میکده

خراباتیان حسین آشنا

گرفته به کف رایت کریلا (بختیاری، ۱۳۷۶: ۴۵)

دخمه: از دخمه تاریک دنیا پر گرفتند

راه دیار دوست از سر گرفتند (فیروزی، ۱۳۷۶: ۲۱۴)

نوروز: پدر از راه رسید

آمد و شاد نشست

گفت با خنده ی شاد

از دل خاک شکفت

غنچه نوروزی (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۴۰)

هفت سین: در خانه مادر

در عید سبز فتح برای تو

هفت سینی از

سوره های قرآن گرفته است (آران، ۱۳۷۴: ۱۵۷)

گذشته از این که «شعر جنگ و مقاومت»، در شعر انقلاب اسلامی، دارای فضایی حماسی است، یادکرد از کهن الگوهای پهلوانی، که در شاهنامه فردوسی نامهایی آشنا هستند، ابزار زبانی و تصویر سازی به شمار می روند و شاعران این دوره، دلاورمردان جبهه های نبرد را در طول جنگ تحمیلی به آنها تشبیه می کنند، برای مثال:

رستم: گویی که رستم بود «رستمخانی»، آری

یادش به خیر، آن تقوا و یاری (نظری، ۱۳۷۴: ۱۳۶)

سیاوش: در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مردم ایران بی گناه بودند و سرزمین ایران ناجوانمردانه مورد تجاوز قرار گرفته بود، در نتیجه مردم ایران جنگی ناخواسته را متحمل شدند. خون شهیدان نیز هم چون خون سیاوش بی گناه ریخته شد، از این رو بسامد یاد کرد از سیاوش که در شاهنامه نماد بی گناهی است، قابل توجه است:

کاش بسوزم هزار سال در آتش

باز گشایم پر خیال در آتش

روی سیاوش سپید شد به دو عالم

تا که سمنندش فکند یال در آتش (جوادی، ۱۳۷۶: ۸۷)

یا: فصلی غریبانه ماندی آتش سرودی و خواندی

گاهی به رسم سیاوش، گاهی به رسم ابوذر (خلیل عمرانی، همان: ۲۰۱)

یا: یادش به خیر آن سال های خون و آتش

آن روزهای قیس و فرهاد و سیاوش (نادر بختیاری، علمداران، ۱۳۷۴: ۲۸)

کاوه: دگر ز همت فرهاد و کاوه قصه مخوان

که نقل مجلس آزادگان، ترانه ماست (محمود شاهرخی، تیغ آفتاب، ۱۳۷۵: ۱۳۲)

و یا: بافتند زلف دخترکان نابالغ شعرتان را

و ما کاوه کاوه کاوه

در ملتقای آتش و خون

دختران شما را پاس داشتیم (کافی، ۱۳۷۶: ۲۳۰)

گاه نیز شاعر، از دیگر مفاهیم و شخصیت‌های اسطوره‌ای مانند دیو، ضحاک، فریدون و غیره استفاده می‌کند:

مادر بزرگ قصه گویم
از رستم و بی‌باکی او
از دیو و از ایران و توران

شد کهنه دیگر قصه‌هایت
امروز خاک جبهه دارد
صد داستان نو برایت

(نصرتی، ۱۳۷۱: ۱۵۶)

از مار و ضحاک و فریدون

از سحر و جادوی عجوزه

... مادر بزرگ مهربانم

تو قصه‌ها گفتی فراوان

شعر شاعر، بیان‌گر تجربه غم و اندوه است، درماندگی او از خشونت‌ها، حدناشناسی‌ها، و نادانی‌های انسان ناشی می‌شود، چون نمی‌تواند تنها به جنگ با دشمن بسنده کند، به تخیل خود پناه می‌برد و اسطوره می‌سازد. در حقیقت شاعران دوران جنگ تحمیلی در ایران، اسطوره‌پردازان زمان خود نیز هستند. اسطوره‌های کهن نیز در شعر آنها دوباره زنده شده، با کسوتی نو و با صبغه‌ای عاطفی جلوه می‌کند:

مادرت قاب و شمعدان‌ها را

می‌گذارد کنار تخت پدر

می‌نشینم کنار حوض و دلم

می‌پرد روی شاخه‌ای دیگر

پدرت شاهنامه می‌خواند

حوض از هندوانه لبریز است... (الوندی، ۱۳۷۶: ۳۶)

۷. رجز خوانی

رجز خوانی در میدان جنگ و در رویارویی پهلوانان در جنگ‌ها، یکی از ویژگی‌های بارز شعر حماسی است که «پهلوان در برابر دشمن و حریف از شرافت، مردانگی و شجاعت خویش سخن می‌گوید و به آن فخر می‌کند، شاید بتوان آن را نوعی ستیز روانی علیه حریف قلمداد کرد» (براتی، ۱۳۸۸: ۴۷). در همه نبردهای پهلوانی شاهنامه

رجز خوانی نمود بسیار گسترده‌ای دارد:

یکی نامداری از ایران منم

که جز کام شیران نبودش کفن

فردوسی، ۱۹۶۵: ۲۱۶، ج ۴، ۱۱۴ و ۱۱۵)

که خو کرده جنگ توران منم

بسی سر جدا کرده دارم زتن

شاعر شعر جنگ نیز برای ایجاد فضایی حماسی در شعر خود، از قول پهلوان نبرد جنگ تحمیلی رجز می‌خواند:

ما نهنگیم و خیل نهنگان
این سرود نهنگان دریاست
بستر از موج توفنده دارد
بحر را موج‌ها زنده دارد

(سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۹۵)

مرگ اگر در زند به دیدارم
این گدا را جواب خواهم کرد

(براتی، ۱۳۸۸: ۱۹۶)

دشمنی هرگز نخواهد دید پایان مرا
رود خون جاریست تا بستر فریاد من

(براتی، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

۸. زبان اصیل فارسی

در جهت وحدت و یگانگی سیاسی، با وجود زبان‌ها و لهجه‌های معمول در یک کشور، وجود یک زبان به‌عنوان زبان ملی ضروری است، و پاسداشت آن برعهده ملت می‌باشد. شاهنامه فردوسی ضمن این‌که دربردارنده فرهنگ نیاکان ایران زمین است، در طول تاریخ این سرزمین با وجود زبان‌ها و لهجه‌های مختلف، وحدت و یگانگی ملت ایران را رقم زده، موجبات «هویت ملی» را فراهم آورده است. یکی دیگر از ویژگی‌های حماسه ملی ایران بسامد واژه‌های اصیل زبان فارسی است، زیرا در متن شاهنامه به کلمه‌های غیرفارسی اندکی برمی‌خوریم. نکته مهم این است که همین مسأله نیز می‌تواند از عوامل وحدت و هویت ملی به شمار آید. در شعر جنگ نیز مانند شاهنامه، بسامد واژگان اصیل فارسی زیاد است، که جستار دیگری را می‌طلبد. در این جا به یک مورد که کاربرد آن، اهمیت بسزایی دارد اشاره می‌شود. و آن واژه «بسیج» است. کلمه بسیج به معنی تدارک است و در زمان ما حاکی از رزم و ایشارگری است؛ در شاهنامه فردوسی نیز بیشتر در همین معنی و در آمادگی‌های جنگی به کار رفته است برای نمونه:

چراغی است مرتیره شب را بسیج
به بد تا توانی تو هرگز بسیج

(فردوسی، ۱۹۶۶: ۱۸، ح ۱، ۸۱)

وزان پس ورا گفت مندیش هیچ
دلیری کن و رزم دیوان بسیج

(فردوسی، ۱۹۶۶: ۱۱۷، ج ۲، ۷۵۲)

ازین کوه پایه مجنید هیچ
نه روز نبردست و گاه بسیج

(فردوسی، ۱۹۶۶: ۱۳۴، ۳۰۶)

کاربرد این واژه در دوره جنگ تحمیلی و گزینش آن برای ایشارگران واقعی

میدان‌های نبرد نمی‌تواند تصادفی باشد، همان‌طور که کاربرد آن در شاهنامه توسط دانای طوسی اندیشمندانه بوده است. این واژه در اشعار جنگ و مقاومت بیشتر در معنی رزمندگان خاص به‌عنوان «بسیج» به کار رفته و از بسامد بالایی برخوردار است برای نمونه:

مصطفی یک مرد است

یک بسیجی، یک شیر

در دل او ایمان

بر لب او تکبیر.... (اسماعیلی، ۱۳۷۱: ۴۴)

«باکری» تنهاترین سردار بود

قامت او قلّه ایتار بود...

ما همه در عشق مدیون توایم

ما بسیجی‌های دلخون توایم (محمّدی، ۱۳۷۴: ۳۴)

ب) دگرسانی‌های شعر دفاع مقدس با شاهنامه فردوسی

در این مقاله همسانی‌های میان شعرهای دفاع مقدس در دوره معاصر ایران با شاهنامه فردوسی، در حد توان یک مقاله، مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ ولی با توجه به شرایط زمان و مکان، نکات بسیار ظریف دیگری مبتنی بر تفاوت‌هایی میان شاهنامه و شعر دفاع مقدس وجود دارد که جستار دیگری را در خور است از این‌رو، در این جا تنها به دو مورد اشاره می‌شود:

۱. عینی و واقع‌گرایی شعر دفاع مقدس

شاید تفاوت بنیادین فردوسی با شاعران «شعر دفاع مقدس» این است که فردوسی بنا به شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود، حوادث و رخداد‌های شعری خود را از منابع مختلف گرفته و به نظم در آورده است و خود جنگ و تجاوز (به‌طور فیزیکی و واقع) را تجربه نکرده است؛ اما شاعر دوره جنگ، جنگ را، تجاوز به مرزهای این سرزمین را، به چشم خود و گاه به‌طور فیزیکی و عینی تجربه کرده است؛ از این‌رو «حماسه» در شعر آنها، عینی و واقع‌گرا است، در نتیجه شعر این دوره نیز رئالیستی و واقع‌گرا است.

موشک افتاد توی کوچّه ما

من پریدم ز خواب خوش ناگاه

شیشه‌ها ریخت در میان اتاق

مادرم جیغ زد: «یا الله».... (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۲۶)

شاعر دوره معاصر ما، ضمن توصیف نبردهای جنگ تحمیلی که خود شاهد آن بوده

و گاه نیز در جبهه‌ها شرکت داشته است، خطاب به فردوسی می‌گوید:

الا ای سبک سیر باد صبا	سوی توس بگذر ز راه وفا
به فردوسی استاد شهنامه‌ساز	بگو ای حکیم حقیقت طراز
سرودی بسی قصه از باستان	ز رستم فزون گفته ای داستان
به رستم بگو ای جهان پهلوان	هنرمند و رزم‌آور و پرتوان
تو بودی به گردان ایران امید	دریدی جگرگاه دیو سفید
نترسیدی از بانگ و آوای کوس	درافکندی از زین به خاک اشکبوس
و لیکن ندیدی زره پوش را	که فریاد آن کر کند گوش را
نشستی تو بر رخس بالای زین	نکردی گذر هرگز از روی مین
تو را گاو نر بود ابرزار جنگ	نه تانک و نه موشک نه توپ و تفنگ
یکی مین اگر پیش پای تو بود	کجا بر رخس جای تو بود...

(پارسا، ۱۳۷۶: ۵۷)

شاعر این دوره نبردهای دوران معاصر را سهمناک‌تر توصیف می‌کند، از این‌رو تعداد «خان‌ها» و تنگناها و دشواری‌های دلاورمردان جبهه‌ها را بیشتر از خان‌های شاهنامه می‌داند، شاعر با این کار دست به هنجارشکنی می‌زند و خود اسطوره می‌سازد:

خدا یار مردان دردآشناست
که جان‌هایشان با نبرد آشناست
گذشتند از هشت خان بلا

شد از خونشان دشت‌ها کربلا (بختیاری، ۱۳۷۶: ۴۵)

۲. غزل - حماسه

سال‌های دفاع مقدس که طی آن پاک‌ترین عواطف انسانی مجال ظهور یافت، یاد پهلوانی‌های دوران باستان ایران را دوباره زنده کرد و انگیزه آفرینش حماسه‌هایی در شعر معاصر شد. حماسه‌ها در زبان فارسی به‌طور معمول در قالب مثنوی سروده شده‌اند، ولی قالب برخی از اشعار جنگ و پایداری که تعدادشان کم نیست - و به گونه‌ای پارادکسی در قالب غزل بوده، تغزلی و غنایی هستند. زیرا عناصر عاطفی در شعر این دوره بسیار چشمگیر است؛ از این‌رو، «شعر جنگ» در دوره معاصر بیشتر «لحن عاطفی» دارد تا رزمی. آمیزش عاطفه‌گرایی با حماسه، که بیشتر دارای فضای تحرک، تهییج و گاه خشونت است، فضایی حماسی - عاطفی پدید آورده، در قالب خاصی بیان می‌شود که با عنوان «غزل - حماسه» معروف شده است. شاید هم به

اقتضای حال، شاعران قالبی راستین برای شعر خود انتخاب کرده‌اند، زیرا «عشق» موضوع غزل است. راه تخیل انسان، به‌ویژه شاعر را نمی‌توان بست. در واقع «تخیل» مرکز اندیشه شاعر دوره جنگ و مقاومت است که با هویت ملی و مذهبی او عجین شده است. تخیل شاعر در هر دوره‌ای با انگیزه‌های گوناگون برانگیخته می‌شود و به اقتضای شرایط دست به تصویرسازی می‌زند. «در اشعار جنگ، عواطف معنوی در سایه انقلاب با روح جاری و ساری حماسه در می‌آمیزد و این آمیختگی ظرفیت‌های نوینی را برای غزل به وجود می‌آورد» (باقری، ۱۳۷۲: ۲۰).

در جبهه فروغ مهر جانان دیدم	عشاق گذشته از سر و جان دیدم
از پرتو مهر حق در این پهنه عشق	بی‌پرده هزار راز پنهان دیدم
از پیر و جوان به عشق دیدار حسین	دلدادۀ جان به کف فراوان دیدم
... عشاق شهادت طلب عارف را	مشتاق وصال روی جانان دیدم

(لاهوئی، ۱۳۶۹: ۲۰۸)

این غزل به دلیل کاربرد واژگانی مانند جبهه، حسین(ع)، شهادت، دارای فضایی حماسی است ولی یادآور غزل‌های حافظ نیز است. و از میان غزل‌های نو به غزل واره زیر از «نصراالله مردانی» که از جمله شاعرانی است که در ابتدا به غزل با مضامین حماسی روی آورد و تصاویر اسطوره‌ای و حماسی را با کلمات غنایی درآمیخت، می‌توان اشاره کرد:

می‌آید از دیار بهاران سپاه گل
دریاب ای منیژه جادوگر نسیم
بر سر نهاده دختر صحرا کلاه گل
با سحر عشق بیژن شبنم زچاه گل
با جنبش دلاور جنگل، چریک باد
یک کهکشان ستاره میخک شکفته است
در خون کشید به پیشه شب پادشاه گل

در آسمان سبز به اطراف ماه گل (مردانی، ۱۳۷۰: ۹۶)

همان‌گونه که در این غزل دیده می‌شود تصاویر حماسی و اسطوره‌ای در جامه عناصر به وام گرفته شده از طبیعت بیان شده‌اند، از این رو گاهی تصویرهای شعری، عناصر موجود در طبیعت هستند. در شعر مذکور شاعر به نوعی دست به هنجارشکنی زده است و این هنجارشکنی نه تنها از اهمیت شعر نکاسته، بلکه بر غنای شعر نیز افزوده است (زبان و بیان در شعر جنگ در این مختصر نمی‌گنجد و جستار دیگری را می‌طلبد).

نتیجه

به‌عنوان نتیجه این گفتار باید گفت: «اگرچه اشعار جنگ در دوره معاصر ایران، به صورت حماسه‌ای مدون به یک شاعر خاصی تعلق ندارند و شاعران متعدّد و متعدّدی آنها را سروده‌اند و در قالب مثنوی نیز نیستند، ولی دارای بسیاری از ویژگی‌های شعر حماسی مانند حفظ یکپارچگی کشور، هویت ملی، نبرد برای پاسداشت سرزمین خویش، دلاوری، ایثار و شهادت، نیز می‌باشند، و حماسه به شمار می‌آیند. و مفاهیم کهن الگویی شاهنامه فردوسی بازتابی گسترده در اشعار جنگ دارد و با وجود پاره‌ای جداگانگی‌ها میان اشعار حماسی جنگ و شاهنامه، ناخودآگاه جمعی شاعر از اساطیر شاهنامه فردوسی تأثیر پذیرفته و آنها را در شعر آورده است. بنابراین اشعار حماسی دوره جنگ تحمیلی معاصر ایران، داری مفاهیمی چون وطن دوستی، دفاع از میهن هستند، که شاعران این دوره در راستای دفاع از هویت ملی و ایرانی، و پایداری در مقابل ظلم بیدادگران متجاوز در دوره جنگ تحمیلی، این اشعار حماسی را سروده‌اند. روساخت بیشتر آنها غنایی ولی ژرف ساخت آنها حماسی است. دستمایه شاعران در کنار اسطوره‌ها و الگوهای پهلوانی و قهرمانی موجود در باورهای مذهبی مردم ایران، کهن الگوهای پهلوانی و عناصر فرهنگ باستان ایران را نیز دربردارد؛ که شاعران این دوره، با الهام از شاهنامه فردوسی، آنها را در اشعار دوره جنگ تحمیلی در دوره معاصر ایران به کار برده‌اند. بسامد این بازبردها در اشعار یاد شده و غیره، حائز اهمیت است. در واقع شاعران در این اشعار، برای همیشه موجبات جاودانگی دلاورمردان جبهه‌ها را در یاد و خاطر ایران و جهان فراهم آورده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. یکی از منابعی که مجموعه بحث‌های «هویت» را دربردارد چند شماره از «فصلنامه مطالعات ملی» است (ر.ک: پورسعید، سال پنجم، شماره ۲، سال ۱۳۸۳؛ و سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۲).
۲. اصطلاح «ناخودآگاه جمعی» در روان‌شناسی کارل گوستاو یونگ مورد نظر است.

منابع

- امین‌پور (۱۳۶۲)؛ *مجموعه شعر جنگ*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- اولیائی، مصطفی (۱۳۶۹)؛ *تذکره شعرای معاصر*، اراک: جهاد دانشگاهی اراک.
- باقری، ساعد و محمدی نیکو، محمدرضا (۱۳۷۲)؛ *شعر امروز پژوهشی*، مجموعه شعرهای منتشر شده (۶۹-۵۷)، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- براتی، محمود؛ همکاران (۱۳۸۸)؛ «حماسه در بزم غزل بحثی پیرامون «غزل - حماسه» در ادب انقلاب و دفاع مقدس»، *نشریه ادبیات پایداری*، س ۱، ش ۱، صص ۲۷-۵۰.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۲)؛ *هم صدا با آب و آینه*، مجموعه شعر، دفتر سوم، تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی.
- رستگارفسایی، منصور (۱۳۷۲)؛ *انواع شعر فارسی*، شیراز: نوید.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۵)، *فردوسی*، تهران: طرح نو.
- سجادی، سید محمود (۱۳۸۵)؛ «سخنی پیرامون ادبیات پایداری»، *مجله هنر*، تهران: ش ۴۷، صص ۷۸-۷۹.
- سجودی، فرزاد (۱۳۸۵)؛ «ساختار شعر پایداری»، *مجله هنر*، تهران: ش ۱۰، صص ۱۵۸-۱۶۵.
- شقایق‌های، اروند (۱۳۷۶)؛ *مجموعه شعر کنگره شعر دفاع مقدس*، دفتر هشتم، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- صدر، ضیاء (۱۳۷۷)؛ *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان*، تهران: اندیشه نو.
- صلاح، مهدی (۱۳۸۲)؛ «هویت ایرانی از منظر تاریخ سیستان...»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۴، ش ۱۶، صص ۳۵-۶۴.
- ظهاسبی، قادر (۱۳۸۵)؛ *پری ستاره‌ها (مجموعه غزل)*، تهران: سوره مهر.
- علمداران (۱۳۷۴)؛ *مجموعه اشعار*، تبریز: ستاد برگزاری بزرگداشت سرداران شهید آذربایجان.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۵)؛ *شاهنامه*، ج ۳، تحت نظر ای.ا. برتلس، مسکو: دانش شعبه ادبیات خاور.
- قاسمپور، صمد (۱۳۷۶)؛ *شعر و شمشیر*، تبریز: ستاد برگزاری بزرگداشت سرداران شهید آذربایجان.
- کویاجی، جهانگیر کورجی (۱۳۷۱)؛ *پژوهش‌هایی در شاهنامه*، گزارش و ویرایش جلیل دوستخواه، تهران: زنده رود.
- مجتبابی، فتح‌الله (۱۳۵۲)؛ *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷)؛ «هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، صص ۱۲۹-۱۳۰، خرداد و تیرماه.
- *مجموعه آثار و ارزش‌های دفاع مقدس (۱۳۷۵)*؛ «تیغ آفتاب» دفتر هفتم، تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی، نیروی زمینی.
- *مجموعه شعر دفاع مقدس (۱۳۶۷)*؛ «ترنم آبشار»، دفتر ششم، تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی.
- محمدی، جلال (۱۳۷۴)؛ *قبیله خورشید*، تبریز: ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت سرداران شهید آذربایجان.
- مختاری، محمد (۱۳۶۸)؛ *حماسه در رمز و راز ملی*، تهران: قطره.
- مردانی، محمدعلی (۱۳۷۶)؛ *معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه*، تهران.
- مردانی، نصرالله (۱۳۷۰)؛ *خون نامه خاک*، ج ۲، تهران: مؤسسه کیهان.
- ----- (۱۳۷۴)؛ *مجموعه شهیدان شاعر*، تهران: معاونت فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- نجف‌زاده بارفروش محمدباقر (۱۳۷۲)؛ *فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت*، تهران: کیهان.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷)؛ *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی*، ج ۲، تهران: سروش.
- ----- (۱۳۸۹)؛ *رویکردهای علمی به اسطوره‌شناسی*، ج ۲، تهران: سروش.